

# عیسی از دیدگاه اناجیل، نامه‌های پولس

## و روایات اهل بیت علیهم‌السلام\*

\*\*\*

صالح عمر عروج

### چکیده

حضرت مسیح علیه‌السلام از جمله پیام آوران الهی است که مأموریت هدایت را در میان قوم بنی اسرائیل بر عهده داشت، اما پس از عروج مسیح علیه‌السلام، برداشتهای مختلف و متفاوتی از شخصیت و زندگی ایشان ارائه گردید. این مقاله می‌کوشد تا با استفاده از اناجیل چهارگانه (متی، مرقس، لوقا، یوحنا) از عهد قدیم و رسائل پولس از عهد جدید که نزد مسیحیان دارای اعتبار است و نیز روایات اهل بیت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شیوه مقایسه‌ای زوایای شخصیتی و زندگی حضرت مسیح علیه‌السلام را مورد بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: مسیح، اناجیل چهارگانه، عروج مسیح، رسائل پولس.

تاریخ تأیید: ۸۸/۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۷

\*\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد مجتمع آموزش عالی امام خمینی علیه‌السلام قم.

از آغاز خلقت آدم تا هنگامه قیامت و دادگاه الهی، میلیونها نفر قدم به این کره خاکی نهاده‌اند و یا خواهند نهاد. این انسانها برای نیل به اهداف خلقت که رسیدن به کمال و سعادت از جمله آنهاست، به تنهایی قادر نیستند تا سیر صحیح را بیابند، بلکه به افرادی نیاز دارند که میان آنها و خداوند واسطه شوند و فرمانهای بی‌عیب و نقص الهی را به آنها انتقال دهند. از این رو، افراد فراوانی از جانب خداوند برگزیده شدند و در میان مردم به بیان، تبلیغ و ترویج شریعت خداوند متعال پرداختند. یکی از این پیام‌آوران الهی، حضرت عیسی علیه السلام است که در میان قوم بنی‌اسرائیل مأموریت هدایت آنها را یافت. پس از او که در آن زمان زندگی و سرنوشتی منحصر به فرد داشت، عده فراوانی برداشتهای مختلفی از شخصیت و زندگی مسیح نمودند. ما در این مقاله درصدد هستیم تا شخصیت و زندگانی حضرت مسیح علیه السلام را در اناجیل چهارگانه و رسائل پولس از عهد جدید که نزد مسیحیان دارای اعتبار است و نیز در روایات اهل بیت پیامبر علیهم السلام که معدن فضائل و علومند، در کنار یکدیگر و به شیوه مقایسه‌ای بررسی کنیم. در هر بحث، ابتدا اناجیل، سپس رسائل پولس و در نهایت روایات اهل بیت علیهم السلام، بیان می‌گردد. تقارن این سه با یکدیگر می‌تواند زوایای شخصیتی و زندگانی حضرت مسیح علیه السلام را از زبان مسیحیان اولیه یعنی متی، مرقس، لوقا، یوحنا و پولس و سپس آل محمد علیهم السلام نمایان گرداند.

### نسب عیسی علیه السلام و القاب او

در این بحث، نسب عیسی علیه السلام و القاب او را ابتدا در انجیل، رسائل پولس و سپس در روایات اهل بیت علیهم السلام بررسی می‌کنیم. در انجیلهای متی و لوقا، نسب‌نامه‌هایی برای عیسی علیه السلام ذکر شده و در تمام اناجیل از او با لقبهایی چون پسر داوود، پسر انسان، پسر خدا و... یاد می‌شود.

#### ۱. پسر داوود

نسب مسیح، به واسطه داوود علیه السلام به ابراهیم علیه السلام می‌رسد و میان آنها ۴۳ نسل وجود دارد. متی در میان نسب‌نامه‌های طیب مسیح علیه السلام از چهار زن خطاکار نام می‌برد و هدف او از این کار مشخص نیست. اگر هدف شناخت مادران مسیح نیز بوده، باید نام تمامی آنها ذکر می‌شد، نه اینکه فقط نام این چند تن در نسب‌نامه گنجانده شود.<sup>۱</sup> دور از ذهن نیست که شاید این ترتیب، از سوی یهودیان باشد تا خدشه‌ای به نسب مسیح وارد نمایند.

ظاهر امر این است که نسب‌نامه مسیح مضبوط نبوده است و اختلاف میان متی و لوقا را

می‌توان مؤیدی بر این مطلب دانست. لوقا در نسب، شمار بیشتری از اجداد مسیح را متذکر می‌شود<sup>۲</sup> و مفصل‌تر از متی نسب نامه را بررسی می‌کند. البته خود او نیز به آن یقین نداشته و عبارت «بر حسب گمان» را در این باره می‌آورد.

درباره لقب «پسر داوود» باید گفت که در برخی از آیات عهد جدید، نسب مسیح را به ابراهیم علیه السلام می‌رسانند و این لقب، نزد همه واضح و مسلم بوده است. چنان که می‌بینیم، بیماران<sup>۳</sup> و همه توده‌های مردمی<sup>۴</sup> او را بدین لقب می‌خواندند. حتی زمانی که مسیح از آنان می‌پرسید که فرزند کیست، در پاسخ او را فرزند داوود خطاب می‌نمودند.<sup>۵</sup>

از این موارد می‌توان نتیجه گرفت که فرزند داوود بودن مسیح، نزد یهودیان امری مسلم بوده است؛ چنان که افرادی درصدد اثبات آن بر آمده‌اند. صاحب مقدمه *الکتاب المقدس* می‌گوید: یوسف به نام اسرائیل و ذریه داوود، مسیح را قبول نکرده بود و در مقدمه انجیل نیز آمده که مسیح پسر داوود است.<sup>۶</sup>

او همچنین اضافه می‌کند که متی بر خواب یوسف تکیه می‌کند که یوسف مسیح را در ذریه داوود می‌پذیرد. فرشته کار مهمی را برای یوسف انجام داد و او را به وظیفه‌اش گوشزد نمود تا بچه را به عنوان پسر خود قبول کند. حال آنکه مریم از روح القدس حامله شده بود. چون یوسف، مسیح را به فرزندی خود قبول کرد، لذا از زمره فرزندان داوود به شمار می‌آید. متی می‌خواهد با این کار دو جنبه را با هم تلفیق کند؛ یکی پسر پادشاه بودن مسیح و دیگری پسر داوود بودن او.<sup>۷</sup> این لقب چنان که گذشت، برای مسیح متواتر است و داوود نیز از اجداد یوسف به شمار می‌آید.

## ۲. پسر یوسف

با وجود بتول بودن مریم علیها السلام، چگونه یوسف پدر مسیح نام گرفت؟ اناجیل، مسیح را فرزند یوسف می‌دانند. در انجیل متی<sup>۸</sup> چنین بوده و لوقا نیز<sup>۹</sup> مسیح را فرزند یوسف می‌خواند؛ اما این سخن را همراه با تردید ذکر می‌کند و می‌گوید: گمان می‌رود که مسیح پسر یوسف است. می‌توان گفت که راوی نیز یقین به این مطلب ندارد، چه رسد به دیگران. این نشانه عدم وضوح این قضیه است.

یوحنا<sup>۱۰</sup> نیز مسیح را فرزند یوسف می‌داند و متذکر می‌شود مردم به اینکه یوسف پدر عیسی است، شهادت داده‌اند حضرت موسی علیه السلام در تورات راجع به پسر یوسف ناصری بودن مسیح پیشگوئی کرده است.<sup>۱۱</sup> شارح کتاب مقدس می‌گوید: «یوسف، مسیح را به عنوان پسر خود قبول نمود که نتیجه لاهوتی بلند مرتبه است.»<sup>۱۲</sup> نیز می‌گوید که متی به رؤیاهایی که یوسف می‌دید اعتماد کرده است، اما گمان این می‌رود که یوسف برای توجیه مسئله بارداری مریم، آن هم بدون

همسر تنی، مسیح را قبول کرده بود.<sup>۱۳</sup> مریم قبل از ازدواج و در دوران نامزدی با یوسف، بشارت ولادت مسیح را از جانب روح القدس گرفته بود، در حالی که بتول بود.<sup>۱۴</sup>

در شرح و متون اناجیل واضح است که مسیح، پسر حقیقی یوسف نیست. شرح می گوید که تا پس از ازدواج مریم با یوسف، مریم باکره بود، و این دلیلی بر نفی آمیزش میان این دو بوده است.<sup>۱۵</sup> کلام مریم و شگفت‌زدگی او به هنگام ورود فرشته و بشارت او به باردار شدن و ولادت مسیح نیز مؤید این مطلب است. خود فرشته نیز شهادت به پذیرش او می دهد: «اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند...»<sup>۱۶</sup>

مسئله دیگری که به ذهن می آید این است که الحاق نسب مسیح به یوسف، تلاشی برای حل کردن مشکل عهد قدیم است که نسب را بر مردها بنا می کند.<sup>۱۷</sup>

### ۳. پسر مریم

اناجیل راجع به مادر عیسی علیه السلام بودن مریم علیها السلام اتفاق نظر دارند. متی، مسیح را متولد شده از مریم و دریافت شده از روح القدس می داند.<sup>۱۸</sup> لوقا نیز قصه فرود آمدن فرشته و نزول آن بر مریم و مزده باردار شدن به مسیح و به دنیا آمدن مسیح را بیان می کند. او مرعوب شدن مریم از این بشارت و شگفت‌زدگی او از آن، تسکین فرشته و پناه بردن وی به کوهها را بازگویی می کند.<sup>۱۹</sup>

اناجیل، شرح کتاب مقدس و قاموس کتاب مقدس، مریم را تا هنگام تولد عیسی علیه السلام عذرا می دانند.<sup>۲۰</sup> او نمونه ای در خوش اخلاقی و مادر بودن<sup>۲۱</sup> و دوستی<sup>۲۲</sup> به شمار می آید.

از مطالب گذشته (پسر داوود، یوسف و مریم بودن) به دست می آید که مسیح پسر انسان است.

### ۴. پسر انسان

اناجیل مسیح را پسر انسان می خوانند، چنان که در آنها می بینیم: «عیسی بدو گفت: روباهان را سوراخها و مرغان هوا را آشیانه‌هاست. لیکن پسر انسان را جای سر نهادن نیست.» در آیات فراوانی تصریح شده است که مسیح پسر انسان است.<sup>۲۳</sup> شارح کتاب مقدس می گوید: این عبارت فقط در انجیل پیدا می شود و عبارت «پسر انسان» توسط خود حضرت مسیح بیان شده است.<sup>۲۴</sup>

### ۵. پسر خدا

مسیح لقب دیگری دارد که عهد جدید به او اهدا کرده و آن «ابن الله» یا پسر خداست.<sup>۲۵</sup> روایان اناجیل و همچنین کلیسا بر این لقب اتفاق دارند. کلیسا با تمام وجود خود از این لقب دفاع می کند. پسر خدا بودن مسیح را از اسرار کلیسا می دانند و می گویند:<sup>۲۶</sup> مسیح که خودش را

در زمره گناهکاران قرار داد، پسر خداست.<sup>۳۷</sup> در قاموس کتاب مقدس نیز آمده است که پطرس به پسر خدا بودن مسیح اعتراف داشته<sup>۳۸</sup> و اولین کسی است که حقیقت را شناخته و به آن اقرار نموده است.<sup>۳۹</sup>

اناجیل به مسیح لقب پسر خدا داده‌اند و این مطلب نیز واضح و آشکار است که این لقب، خواستار طرف دیگری یعنی «پدر» است. باید در اناجیل دید، مطلبی چنین وجود دارد یا خیر.

### ۶. پدر عیسی

در برخی آیات، از خداوند به عنوان پدر مسیح یاد می‌شود.<sup>۴۰</sup> این آیات نشانه وجود دو مترابط (پدر و پسر) به حساب می‌آید. در قاموس کتاب مقدس، کلمه پدر به معنای پدر آسمانی است.<sup>۴۱</sup> در رسائل پولس، مانند اناجیل و به آن تفصیل از نسب مسیح سخن به میان نیامده، اما دو جهت پسر خدا بودن و پسر انسان بودن او در آنها وجود دارد. پسر خدا بودن مسیح در این رسائل قوت زیادی دارد و پسر انسان بودن او نیز به خاطر رساندن نسب او به داوود در این رساله‌هاست. «... (عیسی) به حسب جسم از نسل داوود متولد شد و به حسب روح قدسیت پسر خدا به قوت معروف گردید از قیامت مردگان یعنی خداوند ما عیسی مسیح...»<sup>۴۲</sup>

مسیح در نامه‌های پولس مرکب از جنبه الهی و انسانی است.<sup>۴۳</sup> پولس به پسر خدا بشارت می‌دهد<sup>۴۴</sup> و بلکه مسیح را پسر خدا می‌داند: «که پدران از آن ایشان‌ند (بنی اسرائیل) و از ایشان، مسیح به حسب جسم شد که فوق همه است، خدای متبارک تا ابد الابد، آمین.»<sup>۴۵</sup> او زندگانی خود را مدیون پسر خدا و حجتش و ایمان به او می‌داند.<sup>۴۶</sup> پولس عقیده دارد که خداوند همه چیز جز خود را وقف مسیح ساخته است: «زیرا همه چیز را زیر پاهای وی انداخته است.»<sup>۴۷</sup> وی همچنین بر این باور است که مسیح جلال خدا و مجد او از خاتم جوهر خدا بوده و در سمت راست خداوند در اعلی‌ترین نشسته است<sup>۴۸</sup> خداوند مسیح را از قبر برآورد تا همه خطایا به واسطه او تطهیر شود.

۱۴۱

اگر بخواهیم القاب و نسب عیسی<sup>علیه‌السلام</sup> را در روایات اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> پی بگیریم، مشاهده خواهیم نمود که عیسی<sup>علیه‌السلام</sup> در آنها پسر مریم<sup>علیها‌السلام</sup> خوانده شده است و عبارات فراوانی دال بر این سخن وجود دارد.<sup>۴۹</sup>

به‌عنوان نمونه، در حدیثی از *اصول کافی* می‌خوانیم: «ای موسی... به پسر مریم بتول سفارش می‌کنم.»<sup>۴۰</sup> مسیح در روایات اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup>، نسبی جز پسر مریم بودن ندارد. القابی نظیر «پسر خدا» نیز در میان مسلمانان از منفورترین القاب به شمار می‌رود و خدا به عنوان پدر کسی مطرح نمی‌شود.

## زندگانی عیسی علیه السلام

در این قسمت نیز زندگانی عیسی علیه السلام را نخست در اناجیل، سپس در رسائل پولس و در روایات اهل بیت علیهم السلام بررسی می‌کنیم. تاریخ ولادت حضرت مسیح، به طور دقیق مشخص نیست، اما محققان غالباً اتفاق دارند که مسیح، در سال چهارم پیش از میلاد به دنیا آمده است. تا پایان قرن اول، در هیچ نوشته غیر مسیحی، اثری از او یافت نمی‌شود و آنچه درباره مسیح آمده، با ارجاعات مبهمی روبه‌روست. مسیحیت نیز بر این مطلب اتفاق نظر ندارد و هر انجیلی نظر خاص خود را می‌دهد؛ لکن با مطالعه اناجیل به دست می‌آید که مسیح در زمان حکومت هیروودیس بزرگ تولد یافته است.

### ۱. آغاز زندگی مسیح علیه السلام

«تو ای بیت لحم، در زمین یهودا، از سائر سرداران یهودا هرگز کوچک‌تر نیستی، زیرا که از تو پیشوایی به ظهور خواهد آمد که قوم من اسرائیل را رعایت خواهد نمود.»<sup>۴۱</sup>

کلمه خدا، عیسی بن مریم، به وسیله فرشته‌ای به مریم بشارت داده شد و در سرزمین یهودیه چشم به جهان گشود. بعد از ولادت مسیح، خداوند در خواب به یوسف فرمان داده که همراه طفل و مادرش به مصر فرار کند تا از چنگ هیروودیس در امان بماند. بعد از مرگ هیروودیس نیز فرمان بازگشت آنها صادر شد.<sup>۴۲</sup>

پس از بازگشت از مصر، عیسی به دست یحیای تعمید دهنده، تعمید داده شد و روح خدا بر او فرود آمد. سپس در مراحل اولیه در امتحانات شیطان واقع شد و بر آن پیروز گردید و به شیطان فرمود: «دور شو ای شیطان، زیرا مکتوب است، خداوند خدای خود را تجربه مکن.» و نیز به او گفت: به خداوند خدای خود سجده کن و فقط او را عبادت نما! در اینجا مشخص نیست که منظور از «خداوند خدای» [بر طبق عقیده کلیسا که عیسی را خدا می‌پندارند] خود مسیح است یا خدای یکتا.

مسیح پس از پیروز شدن در این تجارب شیطانی، توسط فرشتگان آسمانی مورد خدمت واقع شد و سپس به جلیل بازگشت؛ سپس به کفرناحوم رفت، چنان که در انجیل متی<sup>۴۳</sup> آمده است: «تا تمام گردد آنچه به زبان اشعیای نبی گفته شده بود که... قومی که در ظلمت ساکن بودند، نوری عظیم دیدند و بر نشینندگان دیار موت و سایه آن نوری تابید.» او از آن به بعد مشمول بشارت به ملکوت آسمان شد و بقیه حیات خود را به تبشیر و تندریر ادامه داد.<sup>۴۴</sup>

## مسیح و یاران کم ایمان

حضرت مسیح علیه السلام در زندگی خود به یاران کم و مردم کم ایمان مبتلا شده بود و حتی یاران خود را غیر مؤمن می خواند.<sup>۴۵</sup> آری، شاگردان مؤمنی همراه مسیح بودند، ولی تعدادشان اندک بود.<sup>۴۶</sup> مسیح در زندگی خود اهل عمل بود و دیگران را از کارهای بد و زشت مانند ریاکاری و حب مقام بر حذر می داشت و این اعمال را مانع ورود به ملکوت آسمان می دانست.<sup>۴۷</sup> او به دلیل رفض در شهر خود، از منطقه ای به منطقه دیگر منتقل می شد<sup>۴۸</sup> و با تمام تواضع همراه شاگردانش بود و سوار بر الاغی می شد. اناجیل رفتار بدی را از مسیح ثبت ننموده اند، به جز هنگامی که در معبد، بازارچه ای را به راه انداخته بودند و مسیح میزهای آنان را واژگون کرد.<sup>۴۹</sup> وی با این مردم زندگی کرد تا زمانی که بدون هیچ دلیل قانع کننده ای برایش حکم اعدام صادر کردند و به او تهمت روا داشتند و سپس او را به قتل رساندند.<sup>۵۰</sup> این آیات بیانگر مظلومیت مسیح است. در این قسمت به خلاصه ای از زندگی مسیح در اناجیل اشاره شد.

اما در رسائل پولس اثری از توصیف زندگانی مسیح نمی بینیم، چرا که او در این رسائل به عنوان شخصیتی الهی، ازلی و ربوبی وجود داشته و مانند مسیح یوحناست که از ازل بوده و هست.<sup>۵۱</sup> حیات مسیح به عنوان یک پیامبر مبلغ در رسائل پولس نمایان نیست، چرا که پولس او را فقط از جهت جسد، انسان می داند، ولی روح او را پسر خدا می شمارد.<sup>۵۲</sup> پولس ایمان به مسیح را عین زندگی معرفی نموده و تنها به ذکر حیات مؤمنان و پسر خدا بودن مسیح و مسیح می پردازد. از بعضی عبارات به دست می آید که پولس نیز انجیل خود را داشته است. پولس به این انجیل موعظه می کند و می گوید: «ولی به الهام رفتم و انجیل که در میان امتهای بدان موعظه می کنم...»<sup>۵۳</sup> او بر اناجیل اعتماد نکرده و فقط بر انجیل خود تکیه می کند.

البته این انجیل یافت نشده و شاید مراد از انجیل، همان نامه های او باشد پولس در این نامه ها سعی می کند مسیح را پسر خدا معرفی نماید.

بر خلاف رسائل پولس، اهل بیت علیهم السلام در روایات خود به زندگی حضرت مسیح اشاره هایی کرده اند. در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است که جبرئیل علیه السلام (روح القدس) در جیب مریم دمیده و او حامله شد. در عین حال جنین رشد یافت و مانند جنین نه ماهه شد. مریم بر خاله اش وارد شد، اما خاله کار او را نپسندیده و منکر آن شده بود و مریم به علت حیا از آنجا دوری جست. درباره مدت زمان بارداری حضرت مریم علیها السلام در روایات اختلاف وجود دارد. این برهه،

در روایات یک ساعت، نه ساعت، شش، هشت و یا نه ماه ذکر شده است.<sup>۵۴</sup> در روایتی می‌بینیم که جریان ولادت عیسی علیه السلام در آن نقل می‌شود که جبرئیل در پیراهن مریم می‌دمد؛ همان ساعت مریم احساس حمل می‌کند. مریم به خاطر حیا و جلوگیری از تهمت‌های سوء، به مکان دوری می‌رود. تولد حضرت مسیح در زمان هیروودیس بزرگ و امتحان شدن او از سوی ابلیس نیز در روایات اهل بیت علیهم السلام به چشم می‌خورد.<sup>۵۵</sup> مسیح در جواب شیطان بدو که گفت خود را از بالای کوه پایین بینداز، گفت که بنده هیچ گاه خدای خود را نمی‌آزماید و چنین اجازه ای ندارد. عیسی علیه السلام با یاران خود زندگی می‌نمود،<sup>۵۶</sup> به آنها خدمت می‌کرد،<sup>۵۷</sup> از بداخلاقی پرهیز می‌داد،<sup>۵۸</sup> با آنها شاد و غمگین می‌شد و به رسول اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بشارت می‌داد.<sup>۵۹</sup>

زهد کامل، نماز، روزه، نیکی به مادر، زکات و معجزات فراوان مسیح بر کسانی که با دریای روایات اهل بیت علیهم السلام سر و کار دارند، پوشیده نیست. در واقع، این روایات مسیح را پیامبر و رسول مبلغ دین خدا و داعی به سوی معنویت بیشتر می‌دانند.

### اخلاق عیسی

از بارزترین ویژگی‌های اخلاقی حضرت مسیح صلی الله علیه و آله و سلم در اناجیل، مقابله نکردن بدی با بدی، بلکه مقابله آن با نیکی و محبت است. او به شاگردان خود توصیه می‌کند که برای کسانی که به آنها بدی می‌کنند، نماز و دعا بخوانند و از لطف و مهربانی خدا پیروی کنند و خود این‌گونه باشند. در انجیل متی<sup>۶۰</sup> می‌بینیم که عیسی صلی الله علیه و آله و سلم به شاگردان خود می‌گوید:

... با شریب مقاومت مکن، بلکه هر که بر رخساره راست تو طپانچه زد، دیگری را نیز به سوی آن برگردان و اگر کسی خواهد با تو دعوا کند و قبای تو را بگیرد، عبای خود را نیز بدو واگذار... دشمنان خود را [نیز] محبت نمایند و برای لعن‌کنندگان برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید....

همچنین عیسی صلی الله علیه و آله و سلم به آنها می‌فرمود که انسان باید عیوب خود را ببیند و از عیوب دیگران چشم‌پوشی کند و تا هفتاد مرتبه، یا هفت مرتبه،<sup>۶۱</sup> از اشتباهات دیگران در گذرد. او به پیروان خود سفارش می‌کرد که دیگران را مانند خود دوست داشته باشند.

در نامه‌های پولس، چیزی به نام روش و منش عیسی صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان یک الگوی انسانی پدیدار نیست و به تبع بخش گذشته، در این نامه‌ها صحبت از اخلاق عیسوی نیست و بیشتر توصیه‌های پولس به ایمان به او و پسر خدا بودن اوست. اما روایات اهل بیت علیهم السلام بیانگر اخلاق حسنه حضرت



عیسی علیه السلام است. مسیح بر قلت کلام و ذکر خدا تأکید می‌کند و می‌فرماید: «سخن زیاد در غیر از ذکر خدا مفرماید، چون کسانی که در غیر از ذکر خدا صحبت زیاد می‌کنند، دل‌هایشان سنگین می‌شود، ولی نمی‌دانند.»<sup>۶۲</sup> در روایات آمده که حضرت علی علیه السلام بر سنت مسیح بود.<sup>۶۳</sup> در حدیث دیگری مسیح دروغ را باعث زوال کلام می‌داند.<sup>۶۴</sup> او به یاران خود هشدار می‌دهد که از یار بد اجتناب کنند، چون یار و قرین بد، هر دو باعث تعدی به غیر می‌شوند.<sup>۶۵</sup>

در دین مسیح، بعد از توحید، چیزی مانند اخلاق مطرح نشده است و این را می‌توان در حدیث سباط انتزاع نمود.<sup>۶۶</sup> از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت مسیح فرموده است: «آن چیزی که نمی‌خواهی کسی در حق تو انجام دهد، تو نیز در حق کس دیگر آن کار را انجام نده، اگر کسی بر گونه راست تو سیلی بزند، گونه دوم را در اختیار او گذار.»<sup>۶۷</sup> این روایت شبیه به سخنان عیسی علیه السلام در اناجیل است.<sup>۶۸</sup>

### دین عیسی

در این قسمت، ابتدا نگاهی به اصول ادیان توحیدی یعنی توحید، نبوت و معاد می‌افکنیم و سپس فروعی مانند نماز، روزه و صدقه را از نگاه اناجیل، نامه‌های پولس و روایات اهل بیت علیهم السلام در دین مسیح علیه السلام نظاره‌گر خواهیم شد.

### اصول دین مسیح در اناجیل

#### ۱. توحید در اناجیل

در سخنان مسیح توحید محض را مشاهده می‌کنیم که خود را پسر انسان خوانده و هیچ چیز را برابر با خداوند نمی‌داند و به کسی اجازه نمی‌دهد که حتی به او صالح خطاب کند و در جواب می‌گوید که صالح یکتاست و آن هم خداست.<sup>۶۹</sup> او به شاگردان خود اجازه دعا و تعلق به غیر از خدا را نمی‌داد و خدا را یکتا و بی‌همتا می‌شمرد و در جواب آن عالم مذهبی، دوست داشتن با تمام دل و جان را از مهم‌ترین احکام خدا بیان کرد و در پاسخ شنید: «آفرین ای استاد، نیکو گفتی، زیرا خدا واحد است و غیر از او دیگری نیست.»<sup>۷۰</sup>

لوقا<sup>۷۱</sup> می‌گوید: «عیسی از او [یکی از سران یهود] پرسید: از بهر چه مرا نیکو می‌گویی، حال آنکه هیچ کس نیکو نیست جز یکی که خدا باشد.»

با مراجعه به این آیات و آیاتی دیگر،<sup>۷۲</sup> مسئله توحید در آیین مسیح مشخص خواهد شد.

## ۲. نبوت در اناجیل

در اناجیل، آیاتی چون «آنگاه کلامی که به زبان ارمیای نبی گفته شده بود...»<sup>۷۳</sup> و آیاتی دیگر<sup>۷۴</sup> وجود دارد که در آنها نام انبیایی چون ارمیا، اشعیا، یوسن، دانیال و الیشع نبی به عنوان نبی ذکر شده و دلالت بر نبوت عامه می‌کند. درباره نبوت خاصه یعنی نبوت حضرت مسیح نیز در اناجیل نشانه‌های فراوانی وجود دارد که این مدعا را ثابت می‌نماید. قبل از آن باید بدانیم که اثبات نبوت هر پیامبری نیازمند دو مسئله است: یکی شهادت ناشی از وحی و دیگری ارائه معجزه توسط شخص پیامبر جدید. حال، این مسائل را در اناجیل جستجو می‌کنیم.

### ۲/۱. شهادت پیامبر سابق

این شهادت را از سوی حضرت یحیی مشاهده می‌کنیم. آن حضرت به نبوت حضرت مسیح شهادت می‌داد و می‌گفت: «این است آنکه درباره او گفتم، آنکه بعد از من می‌آید، پیش از من شده است، زیرا که بر من مقدم بود.»<sup>۷۵</sup>

### ۲/۲. شهادت شخص دیگر

علاوه بر شهادت حضرت یحیی، شخصیت مجهول دیگری که شاید از پیامبران [و یا خود حضرت یحیی علیه السلام] باشد نیز بر این مطلب گواهی می‌دهد «دیگری هست که بر من شهادت می‌دهد و می‌دانم که شهادتی که بر من می‌دهد راست است.»<sup>۷۶</sup>

### ۲/۳. شهادت پدر مسیح (خداوند)

مسیح فرمود: «و خود پدر که مرا فرستاد، به من شهادت داده است...»<sup>۷۷</sup>

### ۲/۴. شهادت روح القدس

«لیکن چون سستی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم آید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد داد.»<sup>۷۸</sup>

### ۲/۵. شهادت شاگردان مسیح

مسیح به شاگردان خود گفت: «و شما نیز شهادت خواهید داد، زیرا که از ابتدا با من بوده‌اید.»<sup>۷۹</sup> این پنج گونه، شهادت دیگران بر ارتباط با وحی الهی است. اما مسئله دیگر آوردن معجزات، از سوی خود پیامبر برای تصدیق گفته‌هایش است. مسیح با معجزاتش این کار را انجام داده است، معجزاتی از قبیل احیای مردگان، شفا دادن بیماران و...<sup>۸۰</sup> تا کنون دو امری را که متذکر شدیم به اثبات رساندیم. حال می‌توانیم از کلام خود مسیح علیه السلام، بر نبوت و او استدلال کنیم.

در آیاتی چند در اناجیل، مسیح متذکر این مطلب می‌شود که «کسی که مرا قبول کرده، فرستنده مرا قبول کرده باشد.»<sup>۸۱</sup> و «هر که مرا پذیرد، فرستنده مرا پذیرفته باشد.»<sup>۸۲</sup> و «تعلیم من از من نیست، بلکه از فرستنده من است.... درباره تعلیم خواهید دانست از خداست یا آنکه از خود سخن می‌رانم.»<sup>۸۳</sup>

گروه‌های مردمی نیز می‌گفتند: «این است عیسی نبی از ناصره جلیل.» بعضی نیز گفتند: «نبی‌ای است یا چون یکی از انبیا.» موارد دیگری از این قبیل نیز وجود دارد.<sup>۸۴</sup> حضرت مسیح ادعان می‌کند که تعالیمش از آن او نیست، بلکه از آن خداست<sup>۸۵</sup> و او از جانب خدا سخن می‌گوید، فرستاده خداست و مشیت و خواسته فرستنده خود را اجرا می‌کند و خداوند شاهد بر این مسئله است.<sup>۸۶</sup>

در این آیات، مسیح نشان می‌دهد که رسول و فرستاده خداست و جز وظیفه الهی خود کاری انجام نمی‌دهد. این خلاصه‌ای از شواهد دال بر پیامبر بودن حضرت میسح ﷺ بود.

### ۳. معاد در اناجیل

اعتقاد به معاد که از ارکان اصلی ادیان الهی است، به‌خلاف عهد عتیق، در اناجیل و عهد جدید به وضوح مشاهده می‌شود.

#### ۳/۱. قیامت

حضرت مسیح در پاسخ به صدوقیانی که قیامت را انکار می نمودند چنین می‌گفت: «اما درباره قیامت مردگان، آیا نخوانده‌اید کلامی را که خدا به شما گفته است، من هستم خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب؟ خدا، خدای مردگان نیست، بلکه خدای زندگان است.»<sup>۸۷</sup> زندگان کسانی هستند که فرمان خدا را اطاعت می‌کنند. او همچنین از رستاخیز خبر می‌دهد<sup>۸۸</sup> و به اخلاص در کارها تأکید می‌کند تا انسانها در روز قیامت پاداش اعمال خود را دریافت نمایند.<sup>۸۹</sup>

#### ۳/۲. زندگانی ابدی (سعادت‌مند بودن)

در زمان حضرت مسیح، از ایشان پیرامون کارهایی که منجر به دستیابی به زندگانی و سعادت ابدی می‌شد، سؤالاتی می‌کردند.<sup>۹۰</sup> او نیز در پاسخ، ایمان به توحید، نبوت (مسیح) و اطاعت از فرمانهای خدا را مایه وصول به این زندگانی می‌شمرد.<sup>۹۱</sup>

#### ۳/۳. جهنم (شقاوتها و بد بختیها)

حضرت مسیح می‌فرماید که انسان تا هر کجا می‌تواند، باید خود را از جهنم دور کند، حتی اگر به قیمت از دست دادن یکی از اعضای بدن مانند چشم و دست و... باشد.<sup>۹۲</sup> او گناهکاران را

از خود می‌راند<sup>۹۳</sup> و از ناتوانی آنها از گریز از جهنم خبر می‌دهد<sup>۹۴</sup> و به شاگردان خود توصیه می‌کند که از قاتلان جسم، هراسی نداشته باشند، بلکه از خدایی به‌پراسند که قادر به هلاک نمودن روح و جسم در جهنم است.<sup>۹۵</sup>

از مطالب گذشته روشن می‌شود که دین عیسی علیه السلام در اناجیل، اختلاف خاصی در اصول با سایر ادیان ندارد و ایمان به خدای واحد، نبوت و معاد در تعالیم او به چشم می‌خورد.

### اصول دین مسیح در نامه‌های پولس

#### ۱. توحید خدا

در اناجیل دیدیم که خداوند واحد و بی‌همتاست. پولس نیز در نامه‌های خود بر این مطلب اذعان دارد و خدای متعال را خدای واحد می‌داند. اما مسیح را نیز در کنار او رب واحدی به حساب می‌آورد: «اما متوسط از یک نیست، اما یک است.»<sup>۹۶</sup> همچنین در نامه اولش به تیموتائوس<sup>۹۷</sup> می‌نویسد: «زیرا خداوند واحد است و در میان خدا و انسان یک متوسطی است یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد.» پولس می‌گوید خدا واحد است و همه چیز از اوست، اما مسیح نیز رب واحدی است که تمام اشیا از او آفریده شده‌اند. او در واقع هم از توحید و هم از ربوبیت مسیح دفاع می‌کند.

#### ۲. نبوت عیسی

از مسیح در نامه‌های پولس به عنوان نبی و رسول سخن به میان نیامده و پولس او را واسطه واحد نامیده است. ولی آیا می‌توان با توجه به عبارات پولس، مسیح را خدا دانست یا خیر؟ اگر او خدا باشد، دیگر واسطه نیست و آن وقت رسولان او واسطه می‌شوند. اگر هم واسطه به معنای پیامبر باشد، بقیه نیز مانند یحیای تعمید دهنده و... واسطه هستند. در نامه‌های پولس، مسیح به عنوان خدایی از خدایان شناخته می‌شود و پولس خود را عبد و رسول او معرفی می‌کند. مسیح هم رب و هم پسر خداست که انبیا از آن خبر داده‌اند و خدای پدر نیز آمدن او را به انبیا وعده داده بود.<sup>۹۸</sup> پولس خود را هم رسول خدا می‌داند و هم رسول مسیح. وی در عبارات متعددی خود را بدین گونه معرفی می‌کند: «پولس، رسول نه از جانب انسان و نه به وسیله انسان، بلکه به واسطه عیسی مسیح و خدای پدر که او را از مردگان برخیزانید.»<sup>۹۹</sup> همچنین خود را غلام و عبد مسیح قلمداد می‌کند.<sup>۱۰۰</sup>

#### ۳. معاد (قیامت)

پولس به قیامت ایمان دارد و قیام مسیح را دلیل بر وجود قیامت می‌داند. او می‌گوید: «اگر مردگان را قیامت نیست، مسیح نیز برنخاست، باطل است و عظم ما و نیز باطل است ایمان شما...»<sup>۱۰۱</sup> او برای

اثبات قیامت مثال محسوسی می زند و قیامت را شبیه زرعی خشکیده و دانه‌ای خشک می‌داند که خدا جسم را از آن می‌آفریند. وی می‌گوید که بین همه انواع اجسام، خدا صورت سابق خود آن دانه را بر می‌گرداند.<sup>۱۰۲</sup>

نکته‌ای که باید درباره اصول دین در رسائل پولس متذکر آن شد، این است که این اصول در این رسائل مانند اناجیل هم‌نوا، به طور واضح و مشخص نیست. به عبارت دیگر، اناجیل بیشتر درباره رسول خدای واحد بودن مسیح سخن گفته‌اند، لیکن در نامه‌های پولس، مسیح، فرستنده پولس معرفی گردیده است.

### اصول دین مسیح در روایات اهل بیت

#### ۱. توحید خدا

در روایات اهل بیت، دین مسیح، دین توحید محض است. روایات مرتبط با حضرت عیسی تماماً بر این مطلب تأکید می‌ورزند. عیسی هیچ‌گاه، حتی به طور مجازی، در روایات اهل بیت به عنوان پسر خدا خوانده نشده است. این مطالب را در روایتی از حضرت علی مشاهده می‌کنیم که می‌فرماید: «ما از کسانی که در شأن ما غلو می‌کنند و ما را فوق حد خود می‌برند، بیزاریم. چنان که عیسی پسر مریم از نصاری بیزاری جسته بود... خداوند (طبق آیات قرآنی) در روز قیامت از مسیح می‌پرسد: ای عیسی بن مریم، آیا تو به اینها امر کردی که تو و مادرت را به عنوان خدا اختیار کنند؟ آنگاه مسیح عرضه خواهد داشت: منزهی تو! من حق ندارم آنچه را شایسته من نیست، بگویم! اگر چنین سخنی را گفته باشم، تو می‌دانی، تو از آنچه در روح و جان من است، آگاهی؛ و من از آنچه در ذات (پاک) توست، آگاه نیستم. به یقین، تو از تمام اسرار و پنهانیها با خبری. من، جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آنها نگفتم، و آن هم این بود که خداوندی را بپرستید که پروردگار من و شماست... و نیز خداوند متعال مسیح و مادرش را حاجتمند می‌شمارد و می‌فرماید: این دو نفر غذا می‌خورند، یعنی حاجت دارند و لذا هیچ یک خدا نیستند...»<sup>۱۰۳</sup>

می‌بینیم که دین مسیح در روایات اهل بیت عین توحید است و حرفی از خدا یا پسر خدا بودن او نیست و ائمه اهل بیت جز نامی که خود مسیح بر خود نهاده بود، (عبدالله) نام دیگری برای او بر نمی‌گزیدند.<sup>۱۰۴</sup>

#### ۲. نبوت عیسی

در روایات بسیاری از اهل بیت به نبوت و پیامبری حضرت مسیح تصریح شده است.

در ضمن روایتی از امام رضا علیه السلام در مورد سؤال شخصی درباره امام بعد از او [ابو جعفر امام جواد علیه السلام] آمده است: «... خدای تبارک و تعالی عیسی پسر مریم را خردسال تر از ابو جعفر به پیامبری رساند و او را صاحب شریعت دانست.»<sup>۱۰۵</sup>

در ضمن روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «... بدانید، اگر کسی مسیح را انکار کند و به دیگر انبیا ایمان بیاورد، مؤمن حساب نمی شود...»<sup>۱۰۶</sup>

این دو حدیث به خوبی بیانگر این مطلب است که حضرت مسیح پیامبر و نبی خداست، خصوصاً روایت دوم که در آن انکار نبوت مسیح، باعث عدم ایمان به دیگر پیامبران معرفی شده است.

احادیث فراوان دیگری نیز مبنی نبوت حضرت عیسی علیه السلام در روایات اهل بیت علیهم السلام وجود دارد که دلایلی برجسته، دال بر نبوت مسیح به شمار می روند.<sup>۱۰۷</sup>

### ۳. معاد

مسیح در احادیث اهل بیت علیهم السلام معتقد به قیامت بوده و بر خودش در آن روز درود می فرستد. امام رضا علیه السلام می فرماید: «هولناک ترین روزها بر بندگان خدا سه روز است: روز تولد، روز مرگ و روز بعث... و مسیح در همه این روزها بر خود سلام کرد.»<sup>۱۰۸</sup>

«حضرت عیسی راجع به دنیا سخن می گفت و از روزی که در پیش است، به مردم هشدار می داد... او مردم را نصیحت می نمود... و می گفت مغبون آن کسی که فریب دنیا را خورده و آدم هلاک شده آن است که به دنیا عشق ورزد. ای انسانها، توبه کنید و پرهیزگار باشید؛ و بترسید از روزی که پدری از فرزندش جزا داده نمی شود.»<sup>۱۰۹</sup> بنگرید، پدران و مادران و برادران و خواهران و برخی پسرانتان در کجا هستند؟ همگی دعوت شده، پاسخ داده و به زیر خاک رفته اند... حقیقتاً خداوند متعال مؤمنان را به بهشت وعده داده و کفار را خبر از عذاب هولناک آتش دوزخ و جاودانگی در آن داده است.»

این گونه عبارات در احادیث اهل بیت علیهم السلام دلالت بر وجود قیامت در دین عیسی علیه السلام دارد. در پایان این قسمت باید چنین گفت که اصول ادیان الهی یعنی توحید، نبوت و معاد، هم در اناجیل، هم در رسائل پولس و هم در روایات اهل بیت علیهم السلام، در دین مسیح مشهود است، اما در برخی مانند روایات اهل بیت علیهم السلام رنگ بیشتری به خود گرفته و در مواردی مانند نبوت در رسائل پولس رنگ کمتری را پذیرا شده است.

## نگاهی به فروع دین عیسی علیه السلام

### ۱. نماز (دعا و نیایش)

حضرت عیسی علیه السلام در اناجیل، روش صحیح خواندن نماز را به شاگردان خود تعلیم می‌داد، خود نماز می‌خواند و بر مواظبت و خواندن آن توصیه و تأکید فراوان می‌نمود و انجام آن را موجب رهایی از دسیسه‌های شیطانی و استجاب دعا معرفی می‌نمود.<sup>۱۱۰</sup> پولس در رسائل خود به مواردی از جمله پایبند بودن بر نماز سفارش می‌کند: «در امید مسرور و در مصیبت صابر و در دعا مواظب باشید.»<sup>۱۱۱</sup> می‌بینیم که در اناجیل و رسائل پولس، نماز در دین مسیح به خوبی نمایان است و عباراتی مبنی بر نماز گزاران حضرت مسیح نیز به چشم می‌خورد.

در روایات اهل بیت علیهم السلام می‌بینیم که خداوند مسیح را سفارش به نماز و زکات می‌نماید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما أعلم شیئاً بعد المعرفة أفضل من هذه الصلاة الأتري أن العبد الصالح عیسی بن مریم قال: أوصانی بالصلاة و الزكاة مادمت حياً»<sup>۱۱۲</sup> در این روایت واضح است که نماز در دین مسیح وجود دارد؛ اما روایات دیگری نیز داریم که بیانگر نماز خواندن حضرت مسیح به هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) در پشت سر آن حضرت است: «إذا خرج المهدي من ولدی عیسی بن مریم علیه السلام فصلی خلفه.»<sup>۱۱۳</sup> از این روایات نیز وجود نماز در دین مسیح علیه السلام به خوبی قابل ملاحظه است.

### ۲. روزه

در اناجیل آمده است<sup>۱۱۴</sup> که مسیح، چهل روز را به حالت صوم سپری کرد و در آن ایام چیزی نخورد. او به شاگردان خود نیز توصیه می‌کرد که در ایام روزه‌داری از ریاکاران و ریاکاری دوری جویند، تا به اجر و ثواب آن نائل شوند.<sup>۱۱۵</sup> در رسائل پولس، به چیزی به نام روزه مسیح بر نمی‌خوریم، که شاید به خاطر مقامی باشد که پولس در نامه‌هایش برای مسیح در نظر گرفته است. اما در روایات اهل بیت علیهم السلام داریم که حضرت عیسی علیه السلام همیشه روزه می‌گرفت. امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره روزه سؤال نمود. حضرت در پاسخ، پس از بیان شیوه روزه داوود و سلیمان نبی فرمود: «و این کنت ترید صوم عیسی علیه السلام فإنه کان یصوم الدهر...»<sup>۱۱۶</sup> این حدیث دلالت بر وجود روزه در دین عیسی علیه السلام و روزه دار بودن همیشگی اوست.

### ۳. زکات (صدقه)

مسیح درباره صدقه نیز مانند نماز و روزه در اناجیل تأکید ورزیده و به شاگردان خود توصیه می‌کند: «از آنچه دارید، صدقه بدهید که اینک همه چیز برای شما طاهر خواهد گشت.»<sup>۱۱۷</sup>

باز هم در نامه‌های پولس، اثری از زکات یا صدقه در دین مسیح نمی بینیم و این شاید به همان علت گذشته باشد که پیش تر گفتیم.

در روایات اهل بیت علیهم السلام از امام صادق علیه السلام وارد شده است که مسیح نه تنها به انسانها صدقه می داد، بلکه به فکر حیوانات دریایی نیز بود، زیرا روزی غذای خود را در دریا ریخت و در پاسخ به سؤال برخی شاگردانش فرمود که قصد دارد جانوری از دریا آن را بخورد؛ چون ثواب آن نزد خداوند بسیار زیاد است.<sup>۱۱۸</sup>

### شریعت عیسی

حضرت عیسی علیه السلام در انجیل متی<sup>۱۱۹</sup> تصریح می کند: «هرگز هیچ نکته‌ای از شریعت زائل نخواهد شد، تا کامل گردد؛ گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم، نیامده تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم؛ زیرا هر آینه به شما می گویم تا آسمان و زمین زائل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زائل نخواهد شد تا همه واقع شود...»

عبارات مذکور بیانگر تأیید شریعت گذشته از سوی حضرت مسیح علیه السلام و وجود شریعت است. اما در عهد جدید احکام جدیدی وجود دارد که با توجه به آنها، برخی مانند علامه بلاغی به وجود نسخ در عهدین اعتقاد دارند.<sup>۱۲۰</sup> مشاهده ناسخ و منسوخ در عهدین کار دشواری نیست و از کلام خود حضرت مسیح می توان به آن دست یافت: «شنیده‌اید که به اولین گفته شده است قتل مکن و هر که قتل کند، سزاوار حکم شود، لیکن من به شما می گویم هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد، مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را راقا گوید، مستوجب قصاص باشد و هر که احمق گوید مستحق آتش جهنم بود... شنیده‌اید که به اولین گفته شده است زنا مکن، لیکن من به شما می گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است... شنیده‌اید که به اولین گفته شده است دروغ مخور، بلکه قسمهای خود را به خداوند وفا کن؛ لیکن من به شما می گویم هرگز قسم مخورید...»<sup>۱۲۱</sup>

شریعت مسیح را در رسائل پولس را نمی توان به درستی پی جویی نمود، چرا که پولس در نامه‌های خود، مسیح را خدا می داند و برای او جنبه الوهیتی و ربوبیتی قائل است و شریعت را در ایمان به مسیح و محبت به او خلاصه می نماید.<sup>۱۲۲</sup>

روایات اهل بیت علیهم السلام نیز شریعت داشتن عیسی علیه السلام را تأیید می نماید. نمونه آن ذیل حدیثی که سابقاً از امام رضا علیه السلام ذکر شد، آمده است: «[عیسی علیه السلام] صاحب شریعت است»، یعنی او رسول خدا بوده و دارای شریعت است.



در حدیث آمده است که مسیح با توحید فرستاده شد و به تمام آنچه به انبیای سلف وصیت شده، سفارش شده بود، توصیه‌هایی مانند برپا نمودن نماز و دین، امر به معروف و نهی از زشتیها، تحریم حرام و تحلیل حلال. خداوند بر او انجیل را نازل نموده که حاوی پندها و مثالهایی بوده است و قصاص و حدود و مواریث در آن وجود ندارد. دین موسی علیه السلام بر عیسی علیه السلام تخفیف داده شده بود و به عیسی علیه السلام و کسانی که به او ایمان آوردند امر شده که به شریعت تورات و انجیل ایمان بیاورند.<sup>۱۲۳</sup>

حضرت مسیح در روایات اهل بیت علیهم السلام، شریعت موسی علیه السلام را تأیید می‌نماید، اما بعضی از احکام موسوی مانند جواز قسم در اناجیل (موجود) نسخ شده است که در سطرهای گذشته، نمونه‌هایی از عبارات آن را در اناجیل مشاهده نمودیم.

### نهایت زندگی عیسی علیه السلام

#### الف) در اناجیل

مسیح در دوره تبلیغ خود مشکلات فراوانی از جمله برخورد بد کاهنان با خود را داشت که با طاغوتیهای زمان هم‌رأی شدند و او را دستگیر کردند و به رئیس کهنه تحویل دادند. پطرس، یکی از حواریون مسیح، به دنبال مسیح رفت تا ببیند که او چه خواهد کرد. روحانیون یهودی به دنبال بهانه‌ای بودند تا بتوانند مسیح را محکوم کنند و آزار دهند، اما بهانه خوبی برای این کار نداشتند، چون گواهی دروغین به زودی آشکار می‌شد. البته برخی به این عمل نیز دست زدند. رئیس کهنه از او پرسید: آیا تو گفته‌ای که پسر خدا هستی؟ مسیح جواب داد: این سخن شماسست و به آن کاهن گفت: «تو گفتی! و نیز شما را می‌گویم بعد از این پسر انسان را خواهی دید که بر دست راست قوت نشسته، بر ابرهای آسمان می‌آید.»<sup>۱۲۴</sup> در اینجا بود که کاهنان گفتند او حرفهایی ناسزا زده و دیگر گواهی بر ضد او نیاز نیست و مسیح را مستحق جزای مرگ دانستند. پس او را به حاکم شهر واگذار کردند تا اجرای حکم کند. حاکم نیز سؤال رئیس کهنه را تکرار کرد و پاسخ گذشته را شنید. پس پرسید: گناه او چیست؟ گفتند که او باید مصلوب شود. مسیح را به همراه دو دزد به صلیب کشیدند و به او اهانت کردند و گفتند که او به دیگران راه نجات را تعلیم می‌دهد، ولی خود را نمی‌تواند خلاص کند. هنگام شب مسیح ندا برآورد: «خدایا، خدایا، چرا مرا تنها گذاشتی؟» بعد از آن بود که جان خود را تسلیم نمود.

در این هنگام پرده معبد شکاف برداشت، زمین تکان خورد، قبرها شکافته شدند و شمار زیادی از قدیسان بیرون آمدند. نگرهبانانی که مأمور مراقبت از مسیح بودند از این واقعه

به هراس افتادند و گفتند: او حقیقتاً پسر خدا بود. پس از آن، یکی از شاگردان مسیح، جسد را از والی گرفت و دفن نمود.

بعد از سه روز، مریم مجدلیه و مریم (مادر مسیح) به کنار قبر مسیح آمدند و مشاهده کردند که قبر خالی است. در این هنگام فرشته‌ای آمد و به آنها خبر داد که مسیح قیام کرده است. این دو نفر به سوی جلیل بازگشتند، ولی در میان راه مسیح برایشان ظهور نمود و سلام کرد و ترس آنها را فرو نشانید و به آنها گفت که این خبر را به شاگردانش برسانند.

نگهبانانی که به هنگام نزول فرشته، از شدت ترس بر روی زمین افتاده بودند نیز این اتفاق را برای رؤسای خود بازگو نمودند. آنها نیز به سربازان خود نقره‌های فراوان دادند تا قضیه را برای مردم نقل نکنند و بگویند که شاگردان مسیح او را دزدیده‌اند. یهود تا سالهای بعد از نقل اناجیل نیز بر این عقیده بودند.»

دوازده شاگرد مسیح به همان جایی که فرشته وعده داده بود، رفتند و با مسیح ملاقات نمودند. مسیح به آنها توصیه کرد که مردم را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمیم داده، شیوه حفظ وصایا را یاد بدهند. همچنین به آنها گفت که همیشه همراهشان خواهد بود.<sup>۱۲۵</sup> به جز انجیل متی، بقیه اناجیل جریان صعود حضرت مسیح را نیز نقل می‌کنند.<sup>۱۲۶</sup>

### ب) در رسائل پولس

در اناجیل مشاهده کردیم که مسیح بعد از مصلوب شدن و بعد از تدفین، از قبر برخاست و به آسمان رفت. پولس نیز در نامه‌های خود بر این باور تأکید می‌کند.<sup>۱۲۷</sup> او می‌گوید که با مسیح غسل تعمیم کرده، متحد و دفن شده بود تا در روز رستاخیز با او برخیزد، چنان که مسیح برخاسته است.<sup>۱۲۸</sup> او اذعان دارد که مسیح دفن شده و بعد از سه روز از قبر خود بیرون آمده و برای شاگردان خود ظاهر گشته و بالاخره بر پولس نیز ظاهر شده است.

### ج) در روایات اهل بیت علیهم‌السلام

درباره نهایت زندگی عیسی علیه‌السلام روایات اهل بیت علیهم‌السلام عبارات متعددی دارند. امام صادق علیه‌السلام در ضمن حدیثی راجع به غالیان می‌فرماید: «... امر هیچ کس جز مسیح علیه‌السلام تا کنون تشبیه نشده است، او بالا برده شد؛ در حالی که در قید حیات بود و در آسمان متوفی شد، در حالت خواب بود؛ سپس زنده گردیده و به آسمان برده شده است؛ و این همان معنای کلام خداست که می‌فرماید: ای عیسی، تو را متوفی می‌کنم و نزد عظمتم بالا می‌برم...»<sup>۱۲۹</sup> همچنین در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام در باب شبهاتی که در آن غسل کردن

مستحب است، امام علیه السلام ضمن کلام خود از عروج مسیح سخن می‌گوید و می‌فرماید که شب بیست و یکم رمضان همان شبی است که... مسیح بالا برده شده بود...<sup>۱۳۰</sup> این گونه احادیث، دال بر بالا برده شدن مسیح علیه السلام توسط مقام ذات ربوبی یعنی خداوند متعال است.

### حاصل سخن

حضرت مسیح علیه السلام در بخش اعظمی از اناجیل به غیر از گوشه‌هایی از انجیل یوحنا جنبه انسانی دارد و در بسیاری اوقات، خود را پسر انسان می‌خواند. توحید، نبوت او و زندگی اخروی نیز از پایه‌های دین اوست. در آخر کاهنان یهودی به کمک حاکم وقت، وی را مصلوب می‌کنند و به قتل می‌رسانند، اما مسیح پس از گذشت سه روز از تدفین، از قبر برمی‌خیزد و تا چهل روز بر شاگردان خود ظاهر می‌شود و سپس به آسمانها صعود می‌کند.

پولس در رسائل خود به زندگانی دنیوی مسیح اشاره چندانی نکرده و متعرض اخلاقیات و شیوه زندگی او نمی‌شود. وی در رسائل خود به جنبه الوهیتی مسیح می‌پردازد و او را قربانی برای بخشش گناهان بشر می‌داند؛ گناهی که با گناه آدم آغاز شد و به تمام نسل او نیز منتقل گردید. در نامه‌های پولس بیشتر لقب پسر خدا برای مسیح به کار می‌رود تا القاب دیگر.

با نگاهی به روایات اهل بیت علیهم السلام نیز مشاهده می‌شود که مسیح علیه السلام، پیامبری دارای شریعت از جانب خداوند متعال بوده و شریعت او سرشار از توحید ناب الهی است. حضرت مسیح علیه السلام توسط خداوند متعال بالا برده شد و طبق روایات اهل بیت علیهم السلام به هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) به همراه او باز می‌گردد و پشت سر او نماز خواهد گزارد.

## پی نوشتہا:

۱. متی ۱: ۱- ۲۰.
۲. توما ۳: ۲۳- ۳۸.
۳. یوحنا ۹: ۲۷.
۴. متی ۱۲: ۲۳ و متی ۱۵: ۲۲.
۵. متی ۲۲: ۴۲ و مرقس ۱۰: ۴۷ و....
۶. مقدمة الكتاب المقدس، مجمع الكنائس الشرقية، ترجمة اورشليم، ص ۳۱، المعجم العقائدى.
۷. همان، ص ۴۶۴.
۸. انجيل متی ۲۰: ۱، ۲۴: ۱۶.
۹. لوقا ۳: ۲۳.
۱۰. یوحنا ۱: ۴۵ و ۶: ۴۲.
۱۱. نک ۴: ۲۲.
۱۲. هوامش الكتاب المقدس، ص ۳۷، مجمع الكنائس الشرقية، المعجم العقائدى.
۱۳. همان، ص ۳۸.
۱۴. لوقا ۱: ۲۷ - ۲۶ و ۲: ۳۳ و ۳: ۲۳.
۱۵. هوامش الكتاب المقدس، ص ۱۹۰.
۱۶. همان، ص ۳۸.
۱۷. هوامش الكتاب المقدس، ص ۲۰۱.
۱۸. متی ۱: ۲۰- ۱۸.
۱۹. لوقا ۱: ۳۵ - ۳۹ و لوقا ۲: ۵.
۲۰. الكتاب المقدس، ص ۳۸؛ قاموس الكتاب المقدس ص ۳۳- ۳۸.
۲۱. قاموس الكتاب المقدس ص ۳۸ - ۳۳.
۲۲. لوقا ۲: ۴۸.
۲۳. متی ۸: ۲۰ و ۹: ۶ و ۱۰: ۲۳ و ۱۱: ۱۹ و ۱۲: ۴۰، ۸ و ۱۳: ۳۷ و.... مرقس ۲: ۱۸ و ۸: ۳۱ و ۹: ۱۲، ۳۱ و.... لوقا ۲: ۲۵ و ۲ و ۷: ۳۴، ۹: ۲۶، ۴۵، ۵۶، ۵۸ و.... یوحنا ۱: ۵۱، ۳: ۱۴ - ۱۳ و ۵: ۲۷ و ۶: ۲۷ و....
۲۴. الكتاب المقدس، ص ۵۸.
۲۵. متی ۴: ۳ و ۸: ۳ و.... مرقس ۱: ۱ و ۳: ۷ و ۵: ۷ و ۹: ۱۵؛ لوقا ۱: ۳۵ و ۴: ۳، ۹، ۴۱ و ۸: ۲۸ و ۲۲: ۷۰؛ یوحنا ۱: ۳۴، ۴۹ و ۳: ۱۸ و....
۲۶. همان، ص ۱۲۱.
۲۷. همان، ص ۴۲.
۲۸. متی ۳: ۱۳- ۱۷.

طرح

سال هشتم - شماره ۲۹ - پاییز ۱۳۸۸

۲۹. قاموس الكتاب المقدس ص ۱۳۸.
۳۰. متی ۲۷:۱۱ - ۲۵ و ۱۹:۲۸؛ مرقس ۳۲:۱۳ و ۳۶:۱۴؛ لوقا ۲۶:۹ و ۲۱:۱۰ - ۲۲ و ۱۳:۱۱؛ یوحنا ۱:۱۴، ۱۸ و ۳۵:۳ و ۲۳:۴ و ۱۹:۵ - ۲۳، ۲۶، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۴۵ و ۲۷:۶، ۳۹، ۴۴، ۴۶، ۵۷ و....
۳۱. قاموس الكتاب المقدس ص ۱.
۳۲. رومیان ۱:۱ - ۵.
۳۳. رومیان ۱:۱ - ۴ و عبرانیان ۵:۲.
۳۴. دوم قرنتیان ۱:۱۹.
۳۵. رومیان ۵:۹.
۳۶. غدرصیان ۲:۲۰ و افسسیان ۱۳:۴ و عبرانیان ۴:۴ و ۶:۶.
۳۷. اول قرنتیان ۲۶:۱۵ - ۲۸.
۳۸. عبرانیان ۱:۱ - ۵.
۳۹. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی ج ۸، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۱۳۵؛ برای مطالعه بیشتر نک به: صدوق، محمدبن علی، التوحید، ص ۶۳ و ۴۲۵؛ صدوق، محمدبن علی، ثواب الاعمال، ص ۸، ۲۷ - ۳۰، ۳۴.
۴۰. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی ج ۸، ص ۴۳.
۴۱. متی ۷:۲ - ۱۲.
۴۲. متی ۱۳:۲ - ۵.
۴۳. متی ۱۴:۴ - ۱۶.
۴۴. متی ۳:۵ - ۱۳ و مرقس ۱:۱ - ۱۴ و لوقا ۴:۴ و ۸:۱.
۴۵. متی ۱۷:۱۷ و مرقس ۹:۹ و لوقا ۹:۴۱.
۴۶. متی ۳۷:۹ - ۳۸ و لوقا ۱۰:۲ و یوحنا ۴:۳۷.
۴۷. متی ۳۷:۹ - ۳۸ و لوقا ۱۰:۲ و یوحنا ۴:۲۷.
۴۸. مرقس ۱:۶ - ۶ و ۱:۱۱ - ۷ و لوقا ۱۹:۳۰ - ۳۵ و یوحنا ۱۲:۱۲ - ۱۵.
۴۹. متی ۱۵:۱۱ - ۱۹.
۵۰. لوقا ۲۲:۶۳ - ۷۱ و ۱:۲۳ - ۳۲ و متی ۵۷:۲۶ - ۶۷ و ۱۵:۲۷ - ۴۲ و....
۵۱. یوحنا ۱:۵۱.
۵۲. رومیان ۱:۱ - ۵ و ۵:۹.
۵۳. فرنتیان ۲:۲.
۵۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۲۵.
۵۵. همان، ص ۳۳۵.
۵۶. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۵۷.
۵۷. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷.
۵۸. همان، ص ۴۷.

٥٩. كلينى، الكافى، ج ٨، ص ١١٧.
٦٠. متى ٣٨:٥ - ٤٥.
٦١. متى ٢٢:١٨.
٦٢. كلينى، الكافى، ج ٢، ص ١١٤.
٦٣. صدوق، محمد بن على، عيون اخبار الرضا، بيروت، منشورات مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ج ٢، ص ٥٩.
٦٤. كلينى، الكافى، ج ٢، ص ٣٤١.
٦٥. كلينى، الكافى، ج ٢، ص ٦٤٠.
٦٦. كلينى، الكافى، ج ٨، ص ١٣٦.
٦٧. شيخ صدوق، امالى.
٦٨. متى ٣٨:٥ - ٤٥.
٦٩. متى ١٦:١٩ - ١٧.
٧٠. مرقس ١٢:٣٢.
٧١. لوقا ١٩:١٨.
٧٢. يوحنا ٤٤:٥ - ٤٥.
٧٣. متى ١٧:٢.
٧٤. متى ٣:٣ و ٣٩:١٢ و ١٥:٢٤ و لوقا ٤:٢٧.
٧٥. يوحنا ١٥:١.
٧٦. يوحنا ٣٢:٥ و ٣٢:٢ - ٣٣.
٧٧. يوحنا ٣٦:٥.
٧٨. يوحنا ٢٦:٥.
٧٩. يوحنا ٢٧:١٥.
٨٠. متى و مرقس ٣٢:١ - ٣٤ و لوقا ٤:٤ و يوحنا ٥:١ - ٤٧.
٨١. متى ١٠:٤٠.
٨٢. لوقا ٤٨:٩ و مرقس ٣٧:٩.
٨٣. يوحنا ١٦:٧ - ١٨.
٨٤. متى ١١:٢١ و مرقس ١٥:٦ - ١٦ و لوقا ٧:١٦ و ٧:٤٠ - ٤١.
٨٥. يوحنا ١٦:٧ - ١٧.
٨٦. يوحنا ٢٨:٧ - ٣٣ و ١٦:٨ - ١٩، ٢٩، ٢٦ و يوحنا ٥:٣٠ و....
٨٧. متى ٣١:٢٢.
٨٨. يوحنا ٢٩:٢٧.
٨٩. لوقا ١٢:٤ - ١٤.
٩٠. متى ١٦:١٩ - ٣٦ و مرقس ١٧:١٠ - ١٨ و لوقا ١٠:٢٥ - ٢٨ و....

طهرى

سال هشتم - شماره ٢٩ - يناير ١٣٨٨

١٥٨

۹۱. یوحنا ۳:۱۷.
۹۲. متی ۲۹:۵ - ۳۰ و مرقس ۴۳:۹ - ۴۸.
۹۳. متی ۴۱:۲۵.
۹۴. متی ۳۳:۲۳.
۹۵. متی ۲۸:۱۰ و لوقا ۱۲:۵.
۹۶. غدرطیان ۲۰:۳.
۹۷. تیموتائوس ۲:۵.
۹۸. رومیان ۱:۱ - ۳ و ۱۳:۱۱.
۹۹. غدرطیان ۱:۱ و اول تیموتائوس ۱:۱ و ...
۱۰۰. رومیان ۱:۱ - ۳ و ۵:۲ و افسسیان ۳:۲ و ...
۱۰۱. اول قرنتیان ۱۲:۱۵ - ۱۵، ۱۶-۲۱.
۱۰۲. اول قرنتیان ۳۵:۱۵ - ۴۲ و کولسیان ۱۱:۳ و عبرانیان ۲:۶.
۱۰۳. صدوق، محمدبن علی، عیون أخبار الرضا، تصحیح و تعلیق: حسین الأعلمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات. ص ۲۱۷.
۱۰۴. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۶۴.
۱۰۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۲.
۱۰۶. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۲.
۱۰۷. به عنوان نمونه: نک به: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۸۲؛ همان، ج ۲، ص ۳۱۸.
۱۰۸. نیشابوری، محمدبن الفتح، روضة الواعظین، قم، رضی، ص ۱۳۸.
۱۰۹. صدوق، محمدبن علی، الامالی، ص ۶۵۰.
۱۱۰. لوقا ۱:۱۱ - ۴ و ۴۰:۲۲ - ۴۵ و متی ۴۱:۲۶ - ۴۶ و مرقس ۱:۳۵ و ...
۱۱۱. رومیان ۱۲:۱۲ و اول قرنتیان ۳:۱۱ - ۴ و ...
۱۱۲. عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، تصحیح و تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، ج ۲.
۱۱۳. صدوق، محمدبن علی، عیون أخبار الرضا، ص ۷۱۲.
۱۱۴. متی ۲:۴.
۱۱۵. متی ۱۶:۶.
۱۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۴.
۱۱۷. لوقا ۱۱:۴۱.
۱۱۸. صدوق، محمدبن علی، ثواب الاعمال، ص ۱۴۴.
۱۱۹. متی ۱۷:۵ - ۲۰.
۱۲۰. بلاغی، محمد جواد، الهدی إلى دین المصطفی، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ج ۳، ص ۱۶۸.
۱۲۱. متی ۲۱ - ۴۵.
۱۲۲. این قسمت را ملحقی اضافه نموده است.

۱۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۳۴.
۱۲۴. متی ۶۴:۲۶.
۱۲۵. متی ۱:۲۷ - ۲، ۱۱ - ۳۱، ۳۸، ۳۹ - ۶۶ و ۱:۱۸ - ۲۰ و مرقس ۱:۱۴، ۳، ۳۵ - ۳۷، ۵۳ - ۶۵ و ۱:۱۵ - ۴۷ و ۱:۱۶ - ۸.
۱۲۶. مرقس ۱۹:۱۶ - ۲۰ و ۱:۲۲ - ۳، ۵۴، ۶۳ - ۷۱، ۷۳ و ۱:۲۴ - ۵۳ و ۱:۲۳ - ۴، ۸ - ۵۶ و یوحنا ۲:۱۸ - ۱۵، ۱۹ - ۴۰ و ۱:۱۹ - ۴۲ و ۱:۲۰ - ۲۵.
۱۲۷. رومیان ۴:۱.
۱۲۸. رومیان ۴:۶ - ۶.
۱۲۹. صدوق، محمدبن علی، خصال، ص ۵۲۹؛ همو، عیون اخبار الرضا ج ۲، ص ۱۹۴.
۱۳۰. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۱ ص ۱۱۴؛ نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۳۸.

طهری

سال هشتم - شماره ۲۹ - پاییز ۱۳۸۸

۱۶.